



## جلسه چهارم - درس خارج مهدویت - ۱/۷/۹۱

فایل صوتی جلسه چهارم:

00:00



<https://velaseddighah.com/fa/wp-content/uploads/۲۰۱۳/۰۴/۰۰۳-part-۴-۹۱-۱.mp3>

[۷-۱.mp۳]

### جلسه چهارم - ۹۱/ ۷ / ۱

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين سيما امام زماننا  
روحی و ارواح من سواه لتراب مقدمه الفداء.

### مقدمه

گفتیم که ما در مقام بررسی روایات رجعت ائمه و رسول اکرم : هستیم تا اینکه حدود و مقدار دلالت این روایات را بدست آوریم. از طرفی روایات ظهور امام زمان ۴، به صراحت دلالت بر تشریف فرمایی و تشکیل حکومت جهانی ایشان دارد و تفصیلات و جزئیات حکومت وی را بیان می کند. تبیین برنامه های آن حضرت و مواردی از قبیل: محل ظهور، مرکز حکومت، مشخص بودن وزراء، مدت حکومت، چگونگی سیاست و نوع برخورد با دشمنان در روایات به صورت شفاف و بنحو تفصیل بیان شده است. روایات تصریح دارد که ایشان در رأس يك حکومت جهانی در مقام بسط عدل و از بین بردن حکومت های ظلم و ظالمین، حاکمیت را بدست می گیرد، هرچند بعضی مدعی هستند که حکومت امام زمان ۷ مقدمه ی حکومت امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین: است. حال اگر چنین مسأله ای ثابت شود ما ابایی از پذیرش آن نداریم، ولی آیا واقعا از روایات چنین استفاده ای می شود؟

قدر متیقن روایات رجعت که مُسَلَّم و ضروری است رجعت اجمالی این بزرگواران است (رجعت پیامبر اکرم ۹، رجعت امیرالمؤمنین، رجعت امام حسین:.)؛ اما تشکیل حکومت معصومین : در روایات، یا روایات نسبت به این امر ساکت است و یا بعضی از روایاتی که اشاره به این مطلب دارد، از نظر سند خیلی محکم نیست و یا بعضی از آن روایات، وارد چنین جزئیاتی نشده است. لذا آنچه که ما به آن معتقد هستیم اصل رجعت است ولی تفصیل رجعت ائمه؛ نیاز به ادله روشن‌تری داشته و اثبات این معنا، نیاز به ادله دیگری دارد.

## روایت سیزدهم [۱] [ftn۱\_#]

«قال و حدثني أبي عن الحسين بن خالد عن أبي الحسن الرضا ع قال... قَوْلُهُ حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ قَالَ الْقَائِمُ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي الرَّجْعَةِ فَسَيَغْلُمُونَ مَنْ أضعفُ ناصراً وَ أَقلُّ عَدداً

(تاویل قول خداوند که می‌فرماید: تا آنکه وقتی آنچه بآنها وعده داده‌اند ببینند، مقصود قائم آل محمد و امیر المؤمنین علیهما السلام در رجعت است و بزودی خواهند دانست که چه کسی یاورش ضعیف‌تر و در شماره اندک است)

قَالَ هُوَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لِرَفَرٍ: وَ اللَّهُ يَا ابْنَ صَهَاك! لَوْ لَا عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَعَلِمْتُ أَتَيْنَا أضعفُ ناصراً وَ أَقلُّ عَدداً (وقتی که درگیری شد وفلانی به خانه امیرالمؤمنین حمله کرد، آقا آنجا این مطلب را به او فرمود که اگر پیمان و قراری از پیامبر اکرم و کتاب خدا نبود، می‌دانستی که ضعیف‌تر چه کسی است؟)

قَالَ فَلَمَّا أَخْبَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا يَكُونُ مِنَ الرَّجْعَةِ قَالُوا مَتَى يَكُونُ هَذَا- قَالَ اللَّهُ قُلْ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ أَدْرِي أَ قَرِيبٌ مَا تُوعَدُونَ- أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمداً وَ قَوْلُهُ عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا.. (پس هنگامی که پیامبر(ص) آن‌ها را از رجعت خبر داد گفتند: این رجعت چه زمانی است؟ خداوند فرمود: بگو: «من نمدانم آنچه به شما وعده داده شده نزدیک است یا پروردگارم زمانی برای آن قرار مدهد؟ دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمسازد.)

قَالَ يُخْبِرُ اللَّهُ رَسُولَهُ الَّذِي يَرْتَضِيهِ- بِمَا كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَخْبَارِ- وَ مَا يَكُونُ بَعْدَهُ مِنَ أَخْبَارِ الْقَائِمِ ع وَ الرَّجْعَةِ وَ الْقِيَامَةِ» [۲]. [ftn۲\_#]

## دلالت روایت

روایت را مرحوم قمی نقل می‌کند و در درس قبل نیز به آن اشاره شد. در این روایت، رجعت امیرالمؤمنین ۷ آمده است ولی از روایت مذکور تفصیلی بیش از این، استفاده نمی‌شود و نیازی به بررسی

## روايت چهاردهم

«كان مجاهدا (مجاهرا) في الرجعة»[٣]. [ftn٣#]

### منابع روايت

- الرجال، لابن داود الحلي: ص ٣٥٨ الرقم ١٥٩٩ - " نجم بن أعين [ ع ] (اي عن علي بن أحمد العقيقي ) ق (اي يروي عن الصادق عليه السلام )
- الخلاصة، رجال العلامة الحلي: ص ١٧٦ ف ٢٤ ب ٥ قال " نجم بن أعين: روى العقيقي، عن أبيه عن عمران بن أبان، عن عبد الله بن بكير، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه يجاهد في الرجعة"
- مجمع الرجال، القهپائي: ج ٦ ص ١٧٤ عن الخلاصة
- تلخيص المقال، للميرزا محمد الأسترآبادي: على ما في جامع الرواة
- الايقاظ من الهجعة: ص ٢٦٩ ب ٩ ح ٧٣ - وقال " ما رواه العلامة في الخلاصة، وابن داود في كتاب الرجال في ترجمة نجم بن أعين، عن السيد علي بن أحمد العقيقي، عن أبيه، عن عمران بن أبان، عن عبد الله بن بكير، عن أبي عبد الله عليه السلام " أنه - يعني نجم بن أعين - ممن يجاهد في الرجعة
- جامع الرواة: ج ٢ ص ٢٨٩ - عن تلخيص المقال، عن الخلاصة، وفيه " إنه يجاهد (يجاهر) في الرجعة
- تنقيح المقال: ج ٣ ص ٢٦٧ - عن الخلاصة، وابن داود، وقال " وأقول قد مر في ميسر بن عبد العزيز الكلام في مثل هذه العبارة فلاحظ (في ص ٢٦٤ - قال: وحكى العلامة (ره) في الخلاصة عن العقيقي أنه قال: أثنى عليه (ميسر بن عبد العزيز) آل محمد ٩ و هو ممن يجاهد في الرجعة، انتهى. وفسر بعضهم ما في الذيل بأنه يجاهد مع صاحب الامر عجل الله تعالى فرجه وجعلنا من كل مكروه فداه، وأنت خبير بأن صاحب الامر روعي فداه يظهر أولا ثم يرجع بعد رجعة الأئمة عليهم السلام وجهاده إنما هو في ظهوره لا في رجعته، وإطلاق الرجعة على ظهوره أرواحنا فداه خلاف الظاهر، وإنما الظاهر من الرجعة حيث تطلق في الاخبار هي رجعة النبي صلى الله عليه وآله والأئمة عليهم السلام التي هي من خواص مذهب الشيعة وضرورياتهم، والذي يظهر لي أن المراد من مجاهدته في الرجعة: هو إصراره على إثبات رجعة الأئمة : بإقامة الدلائل والبراهين عليها عند منكريها والله العالم
- معجم رجال الحديث: ج ١٩ ص ١٢٦ - عن الخلاصة، وفيه " إنه يجاهد ". وفيها: عن ابن داود

ظاهر روایت، ارتباطی به رجعت ائمه ندارد بلکه راجع به رجعت یکی از اصحاب - نجم بن اعین - است. ابن داوود حلی در کتاب رجال روایتی را از امام صادق<sup>۷</sup> نقل می‌کند که این شخص - **كَانَ مُجَاهِدًا أَوْ مُجَاهِرًا فِي الرَّجْعَةِ** - در رجعت، جهاد یا مجاهره می‌کند. مجاهره به معنای سخنرانی یا خطابه است، پس او در ارتباط با نشر اهل بیت: تبلیغات خواهد داشت.

## بیان تنقیح المقال

شاهد بنده، فرمایش مرحوم مامقانی<sup>[۴]</sup> می‌باشد. ایشان این مطلب را از خلاصه و او هم از عقیقی - یکی از علماء رجالی زیدی - نقل می‌کند و می‌فرماید: **وحكى العلامة (ره) في الخلاصة عن العقيقي أنه قال: أثنى عليه (ميسر بن عبد العزيز) آل محمد صلى الله عليه وآله وهو ممن يجاهد في الرجعة (اهل بيت: ميسر بن عبد العزيز را مدح کرده‌اند. او جزء کسانی هستند که در رجعت جهاد می‌کنند). وفسر بعضهم ما في الذيل بأنه يجاهد مع صاحب الامر عجل الله تعالى فرجه وجعلنا من كل مكروه فداه.** (بعضی گفته‌اند: او به همراه امام زمان<sup>۷</sup> جهاد می‌کند. امامی که خداوند عزوجل ما را فدای او قرار بدهد)

**وأنت خبير بأن صاحب الامر روعي فداه يظهر أولاً ثم يرجع بعد رجعة الأئمة عليهم السلام وجهاده إنما هو في ظهوره لا في رجعته** (و تو آگاهی که امام زمان<sup>۷</sup> در ابتدا ظهوری دارد و سپس رجعت او پس از ائمه طاهرين رخ خواهد داد و جهاد میسر یا نجم بن اعین در زمان ظهور امام است نه در زمان رجعت آن بزرگوار)

**وإطلاق الرجعة على ظهوره أرواحنا فداه خلاف الظاهر، وإنما الظاهر من الرجعة حيث تطلق في الاخبار هي رجعة النبي صلى الله عليه وآله والأئمة عليهم السلام التي هي من خواص مذهب الشيعة وضروياتهم**

(بر ظهور امام، اطلاق رجعت نمی‌شود بلکه رجعت در مرحله بعد است بنابراین هر کجا رجعت گفته شد، منظور بازگشت پیامبر اکرم و ائمه طاهرين: است و چنین رجعتی از اختصاصات و ضرویات مذهب شیعه است.)

**والذي يظهر لي أن المراد من مجاهدته في الرجعة: هو إصراره على إثبات رجعة الأئمة عليهم السلام بإقامة الدلائل والبراهين عليها عند منكرها والله العالم** (- اگر منظور جهاد میسر یا نجم بن اعین در زمان ظهور امام است پس چرا تعبیر به رجعت (نه ظهور) شده است- این تعبیر اشاره به این دارد که ائمه و پیامبر اکرم همه‌شان برمی‌گردند و از باب تأکید بر این امر و اقامه دلیل و برهان بر منکرین رجعت می‌باشد.)

## دلالت روایت

با استناد به این روایت، ائمه و پیامبر اکرم: همه‌شان برمی‌گردند و خود امام زمان<sup>۷</sup> هم بعد از ظهور و بعد از فوت یا شهادت دوباره برمی‌گردند ولی به تفصیلات دیگری اشاره نشده است

«أول من تنشق الأرض عنه ويرجع إلى الدنيا الحسين بن علي عليهما السلام، وإن الرجعة ليست بعامة، وهي خاصة، لا يرجع إلا من محض الايمان محضاً أو محض الشرك محضاً» [٥]. [ftn٥ #]

(نخستین کسی که قبرش شکافته و به دنیا برمیگردد حسین بن علی علیه السلام است. و این رجعت عمومی نیست (که تمام مردگان زنده شده، سر از قبر درآورند) بلکه افراد خاصی به دنیا برمیگردند که یا مؤمن خالص و یا مشرک محض باشند).

### منابع روایت

- بصائر الدرجات: لسعد بن عبد الله: على ما في حلية الأبرار
- مختصر بصائر الدرجات: ص ٢٤ - أحمد بن محمد بن عيسى ومحمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن حماد بن عثمان، عن محمد بن مسلم قال: سمعت حمرا بن أعين وأبا الخطاب يحدثان جميعاً قبل أن يحدث أبو الخطاب ما أحدث.
- ابوالخطاب، مشکل پیدا کرد ولی این روایت از نظر این شخص مشکل نخواهد داشت چون طریق دیگری هم داریم، هرچند گفته‌اند که این روایت قبل از انحراف ابوالخطاب بوده است.
- الإيقاظ من الهجعة: ص ٢٧٧ ب ٩ ح ٨٨ - كما في مختصر بصائر الدرجات، بعضه، وقال " ما رواه أيضا (الحسن بن سليمان بن خالد القمي في رسالته في باب الكرات وما جاء فيها نقلاً من كتاب مختصر بصائر الدرجات لسعد بن عبد الله ". وفي: ص ٣٦٠ ب ١٠ ح ١٠٩ - كما في روايته السابقة
- البرهان: ج ٢ ص ٤٠٨ ح ١٢ - كما في مختصر بصائر الدرجات، عن بصائر الدرجات لسعد بن عبد الله . حلية الأبرار: ج ٢ ص ٦٥٠ ب ٤٦ - كما في مختصر بصائر الدرجات، عن بصائر الدرجات لسعد بن عبد الله
- البحار: ج ٥٣ ص ٣٩ ب ٢٩ ح ١ - عن مختصر بصائر الدرجات

### بررسی کتاب بصائر الدرجات

کتاب بصائرالدرجات از سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی (متوفی سنة ٢٩٩ أو سنة ٣٠١) بسیار قدیمی است. اشعری‌ها از عراق به قم هجرت کردند بنابراین اشعری‌ها به يك معنی عراقی‌اند هرچند، اصالت شان یمنی است. این‌ها و آباء و اجدادشان جزء وفاداران و فدائیان، امیرالمؤمنین (ع) بودند. در جریان رفع مصاحف (برسرنیزه کردن قرآن‌ها در جنگ صفین توسط سپاه معاویه علیه الهاویه) به امیرالمؤمنین گفتند هرچه شما بفرمائید، ما مطیع و تسلیم امر شما هستیم، فرمان جنگ یا صلح به اختیار شماست بعد از این، حضرت علی (ع) در حقشان دعا فرمود. اینها بعد از امیرالمؤمنین (ع) به خاطر محبت به حضرت، متحمل گرفتاریها، زندانها، شکنجه‌ها شدند. از کار برکنارشان کردند و اذیت و آواره‌شان

نمودند. شاید به همین خاطر مجبور به هجرت شدند. تعدادی از آن‌ها را به خراسان و شیراز تبعید کردند. چند نفرشان به قم آمده و قم را فتح کرده و تشیع را اعلام نمودند. کتاب معجم البلدان، در بخش قم تصریح می‌کند که بچه‌های مالک بن سعد اشعری (۵، ۶ تا جوان) سال ۸۳ هـ به قم آمدند و تشیع را اعلام کردند به گونه‌ای که کسی اجازه فعالیت تبلیغی بجز، مکتب اهل بیت را نداشت. عزت و عظمت امروز حوزه مقدسه قم ریشه‌دار است و از آن‌جا شروع شده است. بالاخره این‌ها درس خواندند و تلاش کردند و زحمت کشیدند و جزء محققین و مؤلفین و علماء شدند که یکی از آن‌ها همین آقای سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری می‌باشد.

### بیان مرحوم نجاشی در مورد سعد اشعری

مرحوم نجاشی در مورد او می‌فرماید: «شیخ هذه الطائفة و فقیهها و وجهها کان سمع من حدیث العامة شیئاً کثیراً و سافر فی طلب الحدیث لقی من وجوههم الحسن بن عرفة و محمد بن عبد الملك الدیقی و أبا حاتم الرازی و عباس الترقفی

یکی از فقهای شیعه و چهره تشیع بود - یعنی کسی می‌خواست در مورد، شیعه صحبت کند با ایشان صحبت می‌کردند- هم احادیث شیعه و هم احادیث اهل سنت را فراگرفته بود و برای اینکه به کمالات برسد سفرهای زیادی هم رفته بود و با شخصیت‌های اهل سنت نشست و برخاست داشت مانند:

و لقی مولانا أبا محمد علیه السلام. و رأیت بعض أصحابنا یضعفون لقائه لأبی محمد [علیه السلام] و یقولون هذه حکایة موضوعة علیه و الله أعلم. امام عسکری ۷ را هم ملاقات کرده است. من (نجاشی) بعضی از اصحاب خودم را دیده‌ام که قائلند اشعری، موفق به ملاقات امام عسکری ۷ نشده است.

- بنده (استاد) اکنون از شما سؤال می‌کنم که به فرض، اشعری امام ۷ را ملاقات نکرده باشد، آیا این تعبیر عدم ملاقات امام، مایه تضعیف اشعری می‌باشد؟ در منابع دست اول ما [۶]. [۶] جریان ملاقات احمد بن اسحاق قمی با امام عسکری ۷ در دورانی که امام زمان روحی فداه تقریباً کمتر از ۳ سال داشتند، آمده است. در این جلسه آقای سعد اشعری هم حضور داشت که سؤالات زیادی را مطرح می‌کند. امام عسکری ۷ سؤالات تفسیری، تاریخی، فقهی و حدیثی اشعری را به فرزند بزرگوارشان یعنی امام زمان روحی فداه ارجاع می‌دهند. سعد اشعری، راوی روایت چنین ملاقاتی می‌باشد. نجاشی در رجال خود ابتدا سعد را توثیق و تجلیل می‌کند و درباره او می‌گوید که مولایمان امام عسکری ۷ را ملاقات کرده است ولی دوباره تشکیک می‌کند و می‌گوید که بعضی از دوستان و اصحابمان را دیدم که دیدار سعد را با ابومحمد ۷ تضعیف می‌کردند و می‌گفتند، این ماجرا، ساختگی و غیرواقعی است. [۷]. [۷] و به او نسبت داده‌اند.

حالا به فرض که این ماجرا ساختگی باشد، جریان ملاقات زیر سوال می‌رود، نه اینکه سبب تضعیف اشعری شود. ما این جریان و شبهات مربوط به آن را بطور مفصل در کتاب تا ظهور (ج ۱، فصل ۷ و ۸) بیان نموده‌ایم که می‌توانید برای اطلاع بیشتر به این کتاب مراجعه فرمایید.

...و صنف سعد کتباً کثیرة وقع إلینا منها کتب الرحمة کتاب الوضوء کتاب الصلاة کتاب الزکاة کتاب الصوم کتاب الحج کتبه فیما رواه مما یوافق الشیعة خمسة کتب: کتاب الوضوء کتاب الصلاة کتاب الزکاة کتاب

الصيام كتاب الحج كتاب بصائر الدرجات...» [A]-[ftn8]-مرحوم اشعري كتابهاي متعددي داشته و سپس اسم چندین کتاب را می‌برد که از جمله کتاب بصائرالدرجات است.

#### نظر الذریعه[۹]-[ftn9]-در مورد سعد اشعري

«بصائر الدرجات في المناقب في أربعة اجزاء كما صرح به الشيخ في الفهرست (بصائر ۴ جلد است و شيخ طوسي در فهرست خود آن را نقل می‌کند) وقال النجاشي (إنه لشيخ الطائفة أبي القاسم سعد بن عبد الله بن أبي خلف الأشعري القمي المتوفى سنة ۲۹۹ أو سنة ۳۰۱) ولم يعين عدة اجزائه (نجاشي می‌فرماید که آقاي سعد بن عبدالله اشعري القمي متوفي ۲۹۹ یا ۳۰۱ است، يعني در دوران غيبت صغري بوده ولي نجاشي تعداد جلدها را نگفته است)

قد اختصر البصائر هذا الشيخ حسن بن سليمان ابن محمد بن خالد الحلي تلميذ الشيخ الشهيد وصاحب "اثبات الرجعة" كما مر (بصائر را شيخ حسن بن سليمان ابن محمد بن خالد حلي شاگرد شهيد و صاحب کتاب اثبات الرجعه تلخیص کرده است - شبيه تلخيص كتاب شافي سيد مرتضي توسط شيخ طوسي - )

ومع تصريح الشيخ والنجاشي بأن بصائر الدرجات لسعد بن عبد الله لا وجه لما استظهره صاحب الرياض في ترجمة الشيخ حسن بن سليمان المذكور من أن أصل بصائر الدرجات لغير سعد بن عبد الله وان سعد بن عبد الله اختصر البصائر فله مختصر البصائر، ثم إن الشيخ حسن بن سليمان انتخب من هذا المختصر كتابه المشهور بـ "منتخب البصائر" (هنگامي که ۲ نفر از قدما - شيخ طوسي و نجاشي - تصريح می‌کنند که بصائرالدرجات از سعد بن عبدالله است، دیگر وجهي براي تشکيک صاحب رياض وجود ندارد. صاحب رياض، اصل بصائر را از سعد نمی‌داند و قائل است که سعد، بصائر را تلخیص کرده است لذا او کتابي بنام مختصر البصائر دارد و سپس حسن بن سليمان، مطلبي را از کتاب مختصر البصائر سعد، انتخاب کرده و نام آن را منتخب البصائر گذاشته است.

ومنشأ وقوع صاحب الرياض في هذا الوهم قول الشيخ حسن في أول كتابه "اثبات الرجعة" (اني قد رويت في معنى الرجعة أحاديث من غير طريق سعد بن عبد الله وأنا مثبتها في هذه الأوراق ثم ارجع إلى ما رواه سعد في كتاب مختصر البصائر) منشأ اشتباه صاحب رياض اين بوده که شيخ حسن در اول کتابش - اثبات الرجعه- مطلبي را گفته که اين مطلب باعث اشتباه صاحب رياض شده است و آن مطلب اين بوده است که شيخ حسن گفته است: من در معنای رجعت از غير طريق سعد روايت نقل کرده‌ام و آن را در اين اوراق ثبت می‌کنم و سپس برمي‌گردم و روايات سعد را در کتاب مختصرالبصائر نقل می‌کنم)

فقرأ صاحب الرياض ارجع بصيغة المتكلم ومقتضاه الوعد بان يذكر روايات سعد بعد روايات غيره في هذا الكتاب مع أنه لم يذكر فيه شيئاً من روايات سعد ابدا فيظهر منه أن قوله ارجع امر لمن أراد الاطلاع على أحاديث سعد أيضا برجوعه إلى كتابه الآخر الذي الفه وأورد فيه أحاديث سعد وهو مختصر كتاب البصائر كما يأتي بهذا العنوان في حرف الميم. (۴۱۶: بصائر الدرجات ) لأبي جعفر محمد بن الحسن بن فروخ

